

## برگی از ادبیات



## شهرتدرستی

ویژگی استثنایی تر شهرمان این است که اینجا آدم برای مُردن دچار درسر می‌شود، راستش «درسر» واژه درشتش نیست، شاید صحیح‌تر باشد بگوییم «ناراحتی». بیماری هیچگاه خوشایند نیست، اما شهرها و کشورهای پیدای می‌شوند که در آنجاها موقع بیماری، هوای آدم را دارند و آدم می‌تواند، به عبارتی، خودش را رها کند و خاطر جمع باشد. مریض محتاج مهربانی است، خوش دارد به چیزی تکیه کند؛ این هم امری کاملاً طبیعی است. اما در اوران، دگرگونی شدید آب‌وهوا، اهمیت دادوستدهایی که انجام می‌شوند، محیط عاری از جاذبه، شامگاه که غافلگیرانه می‌رسد و می‌گذرد، همگی دست‌به‌دست هم می‌دهند و تدرستی را می‌طلبند. آدم مریض خواه‌نخواه تنها می‌ماند. پس وای به حال کسی که در بستر مرگ باشد؛ اسیر و گرفتار دام در پس صدها دیوار که از گرما به جزو لُز افتاده‌اند؛ آن‌هم موقعی که جماعتی انبوه، پای تلفن یا توی کافه‌ها، راجع به محموله‌ها، بارنامه‌ها و تنزیل‌ها بحث می‌کنند. بنابراین می‌توان فهمید چرا مرگ، حتی در نوع مدرن آن با «ناراحتی» توأم است؛ آنگاه که در مکانی خشک گریانگیر شود. چه‌سایان توضیحات کافی باشند برای آنکه کم‌وبیش شهرمان را بشناسید. بدیهی است نباید اصلاً اغراق کرد. در عوض، جادارد بر این‌تئال شهر و زندگی پیش پا افتاده‌اش تأکید شود. ناگفته نماند، همین که آدم به آن خو بگیرد، روزها را بی‌درسر سپری می‌کند. از آنجایی که شهرمان همیشه زمینه مناسب را برای ایجاد عادت فراهم می‌آورد، می‌توان گفت اوضاع روبه‌راه است و از هر حیث بر وفق مراد.

از کتاب «طاعون» نوشته آلبِر کامو

## گذرگاه کهنسالی



## چشم‌ها را باید شست...

وقتی هنوز جوان هستیم، افرادی را مشاهده می‌کنیم که هنگام نزدیک شدن به سن بازنشستگی، برق از چشمان و امید از لبخندهای‌شان می‌رود. منتظرند که محل کار خود را ترک کنند و یکسری برنامه‌مهم برای ادامه زندگی خود بچینند، اما وقتی خودمان به این سن نزدیک می‌شویم و یا با آدم‌هایی که در نیمه دوم زندگی خود هستند بیشتر آشنایی شویم، بخش‌ها و زوایای جدیدی از پا به سن گذاشتن را درک خواهیم کرد. بسیاری از پدر و مادران ما شاید نزدیک به ۷۰ سال داشته باشند، اما هنوز بازندگی و اجتماع عجیب هستند. پس باورهای کهنه را باید کنار گذاشت. البته این موضوع بدین معناییست که کندتر شدن فعالیت ذهنی و بدنی سالمندان اطرافمان یا خودمان را اگر به سن پیری رسیدیم، نادیده بگیریم. باید به این نکته توجه کنیم که هر چند پیری ممکن است مارا از فعالیت‌های مستمر و شادایی روزهای جوانی دور کند، اما درازی آن به واسطه تجربه و گذران بیشتر زندگی بهتر و منطقی‌تر تصمیم می‌گیریم و ممکن است بتوانیم کارها را صورت‌انتر انجام دهیم و همچنان برای خود، خانواده و حتی جامعه مفید باشیم. در سنین کهنسالی همین تجربه لمس فرازونشیب‌های زندگی و چشیدن تلخ و شیرین‌ها روزگار باعث می‌شود از اتفاقات سخت کمتر ترسیم‌با پایه‌سن گذاشتن منعطف‌تر خواهیم‌شد و بلور اینکه به زودی از دنیا خواهیم‌رفت به ما کمک می‌کند کمتر از مرگ ترسیم‌و آزادانه‌تر زندگی کنیم. این ترسیدن از مرگ خودنشانی از شجاعت دارد که دست‌اور در سیدن به سن‌وسال پیری است. شاید برای شما جالب باشد که بدانید بسیاری از انسان‌ها اتفاقاً در نیمه دوم زندگی خود به موفقیت و پیشرفت‌های بیشتری نسبت به نیمه اول زندگی خود دست می‌یابند؛ آن‌هم در حالی که در سنین جوانی بسیار برای ما اتفاق می‌افتد که دست از خوب زندگی کردن بکشیم و سختی‌ها از ادامه مسیر ناامیدمان کند. علم روانشناسی ثابت کرده که ویژگی‌های شخصیتی در وجود افراد ثابت نمی‌مانند و در سنین مختلف دستخوش تفاوت‌های آشکاری می‌شوند. این ویژگی‌ها همیشه قرار نیست با گذر عمر از مثبت بودن به سمت منفی رفتن حرکت کند. قرن‌هاست که پیری را یک درد و کناره‌گیری احساسی و جسمانی می‌بینیم به خودمان برچسب نماندنی می‌زنیم و دایره از ناطات‌مان را کم می‌کنیم. وقت آن رسیده که نگاه‌مان را تغییر دهیم، واز منظری تازه به دوران جدید زندگی مان بنگریم؛ چرا که دوران کهنسالی قرار نیست به‌انزوا بگذرد.

## دریچه



نگاهی به باید و نبایدهای محول کردن وظایف شغلی

# کارسپاری؛ آری یا نه؟



پرتوجفانی

روزنامه‌نگار

یک سودمندی یک‌طرفه نیست. محول کردن کارها به افراد مناسب و در سطح مناسب، منابع یک سازمان را به حداکثر می‌رساند، بهره‌وری را بهبود می‌بخشد و باعث صرفه‌جویی در وقت و منابع مالی سازمان شما می‌شود. با سپردن وظایف سازمان شما از بهبود سطح مهارت‌های کارکنان و نیز توانایی شما برای انجام کارهای سطح بالاتر بهره می‌برد.

## اعتماد ایجاد کنید

به این نکته توجه داشته باشید که «کارسپاری» موفق باعث ایجاد اعتماد دوسویه بین شما و کارکنان خواهد شد. شما به یکی از کارکنان خود برای سپردن مسئولیتی اتکا می‌کنید و آن‌ها برای دریافت پشتیبانی و راهنمایی هنگام نیاز به شما متکی می‌شوند. نتیجه این ارتباط بسیار مثبت خواهد بود؛ چراکه در یک سازمان وجود فاکتور اعتماد از نیروهای شما، کارکنان فعال‌تر، مسئولیت‌پذیرتر و صادق‌تر خواهد ساخت. کارسپاری همچنین باعث تقویت ارتباطات می‌شود؛ چراکه شما و کارکنان تان روش‌های جدیدتری برای کار با یکدیگر پیدا می‌کنید و کارکنان تان می‌آموزند برای انجام وظایف محوله، چگونه دیگران را تحت تأثیر قرار دهند.

## حاصلی به نام «رضایت شغلی»

سپردن وظایف به دیگران، علاوه بر کاهش حجم کار و

## یک سودمندی دوطرفه

پیش از آنکه اقدامات اولیه در ارتباط با «کارسپاری» را انجام دهید باید به یک نکته بسیار مهم توجه کنید؛ اینکه حواس‌تان باشد بازدهی این اقدام قرار نیست تمام‌و‌کمال به سود شما باشد بلکه باید منافع کافی برای کارکنان و زیردستان شما نیز داشته باشد. این سود هم جنبه‌های مادی به همراه خواهد داشت و هم جنبه‌های معنوی. در ابتدا در نظر داشته باشید در صورت کارسپاری بر مبنای اصول و انتخاب‌های درست، به افراد گروه‌تان انگیزه و اعتماد به نفس خواهید داد و به آنها کمک می‌کنید که با مهارت‌های تازه بیاموزند و یا از مهارت‌های پیشین خود به نواحی استفاده کنند. برای مثال فرض کنید که نیاز دارید چند روز از فرایند تولید خود بکاهید؛ به جای اینکه فرایند تولید را خودتان کم کنید، از یکی از کارکنان خود می‌خواهید که این وظیفه را برعهده گیرد. با این اقدام، کارمند شما این فرصت را به دست می‌آورد تا نظرات خود را درباره این موضوع عنوان کند و راهکارهایی برای وظیفه محول شده، بیابد. او یاد می‌گیرد که چگونه کار خود را با برنامه‌ریزی پیش‌برد و احساس مسئولیت بیشتر در حیطه مدیریت نیز تجربه کسب کند. برخی از وظایفی که به زیردستان خود می‌سپارید فرصت مواجهه بیشتری در سازمان یا صنعت شما در اختیار وی قرار می‌دهد. همچنین دست شما را در پرداخت بیشتر و بهتر دستمزد نیز باز می‌کند. اما همان‌طور که اشاره شد این

## چینی‌بندزن اومده...



ژاپنی‌ها را رسمی جالب در بند زدن چینی‌ها داشتند. آنها شکستگی ظروف را با طلا پُر می‌کردند و بر این باور بودند که تجربه شکست، به ارزشمندی طلاست. در گذشته‌های نه‌چندان دور، مادران و مادر بزرگ‌های ما نیز چینی‌های گل‌سرخ شکسته که به تلنگری بند بودند را دور نمی‌انداختند. فصل سرما که می‌رسید نوای ترانه: «چینی‌بندزن اومده...» در کوچه‌ها به گوش می‌رسید که کار و مهارت‌شان بندزن چینی‌های شکسته شده بود. چینی‌بندزن‌ها اغلب در فصل زمستان به شهرها و روستاها می‌رفتند تا ظروف چینی شکسته را تعمیر کنند یا چینی‌های نو را محکم کاری کنند. آنها در دست کردن چسب‌های مخصوص چینی مهارت زیادی داشتند. ابزار کار چینی‌بندزن بسیار ساده بود و شامل جعبه یا همان میز کار، مته، کمان کوچک، چسب مخصوص، تسمه‌های بسیار باریک و ظرفی می‌شد. این ابزار امروزه بسیار ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد. چینی‌بندزن با کمان و مته محل‌های مورد نظرش در چینی‌های شکسته را سوراخ می‌کرد و تکه‌های شکسته را با چسب می‌چسباند و با بندهای کوچک فلزی ظروف را به هم وصل می‌کرد. چینی‌بندزنی، شغلی که انسان را به خاطرات دور می‌برد، امروزه شاید برای بسیاری حتی آشنا هم نباشد.

## خانه‌های دست‌ساز در دل کوه

روستای «سر آقاسید» در شهر کرد یکی از مناطق زیبایی است که بین مردم ایران چندان شناخته‌شده نیست. ساخت این روستا به شکل پلکانی است و از لحاظ ساخت شبیه روستای ماسوله در استان گیلان است، اما به هر حال این روستا به اندازه ماسوله و دیگر



روستاها ی ایران، معروف نیست. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که باعث شده تا این روستا تا حدودی ناشناخته بماند این است که در کوهستان و محیطی سرسخت قرار گرفته است. این در حالی است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی دسترسی به این روستا در نیمه سرد سال کاملاً از بین می‌رود. جالب است بدانید هیچ‌یک از خانه‌های روستای سر آقاسید به شکلی کاملاً خاص، اصلاً پنجره ندارند؛ درهای این خانه‌ها بسیار کوچک هستند و از الوار درختان همان منطقه و از صفر تا صد توسط مردم این روستا ساخته شده‌اند. این خانه‌ها همگی دو بخشی و تودرتو هستند. یک بخش برای اهالی منزل و بخش دیگر مخصوص طیور و دام. گردشگران می‌توانند در چادرهایی که روستاییان در بالای کوه برپا کرده‌اند، مهمان شوند یا شب را در هتل‌های شهرهای اطراف، مثل چلگرد بمانند و در روز از روستا دیدن کنند.

## پرواز با شتر مرغ!



شتر مرغ بزرگ‌ترین پرندۀ دنیا است که به دلیل ارائه محصولات چوب تخم خوراکی، تخم نطفه‌دار، گوشت با ارزش و پر و چرم، مورد توجه بسیاری از پرورش‌دهندگان طیور قرار گرفته؛ به طوری که به آن لقب صنعت تولیدی و تجاری داده‌اند. پرورش شتر مرغ از آن دسته مشاغلی است که می‌تواند به عنوان کار آفرینی انتخاب شود و بهره اقتصادی خوبی دارد. حاصل این کار علاوه بر کمک به محیط زیست، ایجاد اشتغال برای افراد دیگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم است. اگر می‌خواهید تعداد ۴ الی ۵ عدد شتر مرغ را پرورش دهید، داشتن یک زمین ۲۰۰ متری در روستا و حاشیه‌های شهر کفایت خواهد کرد. اما برای نگهداری از تعداد زیاد به حداقل هزار متر مربع فضا احتیاج دارید. دستگاه جوجه‌کشی، لامپ مادر مصنوعی، تجهیزات گرمایشی و سرمایشی، خاک اره، سوخت و برق بخشی از تجهیزات مورد نیاز برای این کار است. با مبلغی بالغ بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان می‌توانید پرورش ۱۵ الی ۲۰ رأس شتر مرغ را آغاز کنید. پیش از آغاز این حرفه نیاز به گذراندن دوره‌های آموزشی نیز دارید تا بر مبنای اصول استاندارد به پرورش این پرندۀ و راه‌اندازی پروسه کسب در آمد اقدام کنید.

عزات تاریخی مؤسسه حکمت و فلسفه - تهران



زادبوم

## من فهمیدم که...

همدردی  
نیرومندترین ابزاری است که  
در کوشش خود برای ارتباط با  
مردمان در دست دارم

رواق

سقوط دیوار برلین - ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹



یادنگاره